



«منظومه فکری امام خمینی (ره)»

رونمایی می شود

کتاب «منظومه فکری امام خمینی(ره)» نوشته عبدالحسین خسروپناه رونمایی می شود. این کتاب درصدد است هندسه و منظومه معرفتی امام خمینی(ره) را به نگارش درآورد. این کتاب توسط سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر شده و یکشنبه ۲۸ آذر از ساعت ۱۵ در فرهنگسرای گلستان رونمایی می شود.



درباره سیره‌نویسی و اهمیت آن در اسلام

سیرت رسول الله



مسجدالنبی

مساله‌ای بوده که یک مسلمان مومن باید به‌عنوان الگوی زندگی همواره مدنظر داشته‌باشد، از این‌روسیره پیامبر یا مغازی یا زندگینامه‌او جزء منابع اساسی و مهم فرهنگ اسلامی است.»

ما رسیده‌است، موهبتی بزرگ برای دین اسلام می‌دانند، چرا که این اخبار و روایات در سایر ادیان اندک بوده‌است و مثلاً آنچه مسیحیت درباره حضرت عیسی می‌داند، بسیار ناقص‌تر از آنچه‌است که ما درباره پیامبر اسلام (ص) در دست داریم. این امر نیز یک دلیل بسیار مشخص دارد. از زمانی که اولین متون درباره زندگی و سیره پیامبر (ص) به‌نگارش درآمد، همواره عشق و علاقه خاص مسلمانان به ایشان باعث شده‌است که این نوشته‌ها سینه به سینه نقل شود و تا امروز نیز برسد. عشق و علاقه به پیامبر باعث شد شرح زندگانی و سیره ایشان در همان سال‌های پس از رحلت جمع‌آوری شود. متونی که هر چند مسلمانان از قرن اول هجری به جمع‌آوری روایات و اخبار راجع به زندگی پیامبر (ص) و نقل آنها مبادرت ورزیدند، اما اثری از این قرن به‌طور مستقیم به دست ما نرسیده‌است؛ کتاب‌های جامعی که باقی‌مانده نیز مربوط به اواسط قرن دوم هجری و بعد از آن است.

اتفاق روز



سجاد صدقات خبرنگار گروه اندیشه

تقسیم‌بندی متون

طبق پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته، شرح‌ها و روایت‌هایی که از زندگی پیامبر (ص) در سنت سیره‌نگاری انجام شده‌است را به‌طور کلی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: «یکی کتاب‌های حدیث از قبیل صحیح بخاری و صحیح مسلم و مسند احمد بن حنبل و دیگر متون اصلی حدیث عامه و خاصه، که بیشتر اخبار و روایات مربوط به زندگی و جنگ‌های پیامبر را در خلال فصول و ابواب خود و به اقتضای مقام نقل کرده‌اند، و دیگر کتاب‌های مستقلی تحت‌عنوان «مغازی» و «سیره». «مغازی‌ها و سیره‌ها را اصل‌ترین نوع زندگینامه یا بیوگرافی دانسته‌اند. در واقع زندگینامه یا بیوگرافی حقیقی همان سیره‌ها و مغازی‌هاست. مغازی که به معنای «منابع و اوصاف جنگجویان و خصوصاً روایات مربوط به جنگ‌های پیامبر (ص) است»، اصطلاحاً به کتاب‌هایی اطلاق شده‌است که به‌طور کلی همه اخبار و روایات مربوط به احوال، اقوال و افعال پیامبر و حوادث زمان او و به‌خصوص جنگ‌های آن حضرت و حتی حوادث قبل از او را که مربوط به اسلام و پیامبر می‌شده، در بر می‌گرفته‌است. «سیره» نیز در لغت به معنای شیوه و روش زندگانی است که باز مانند «مغازی» به معنای کتابی به کار برده‌شده که شرح زندگانی پیغمبر و احوال و اقوال او را در بر می‌گرفته‌است. بنابراین، «مغازی» و «سیره» دو اصطلاح است با یک معنی و این معنی همان است که امروزه عموماً به آن «زندگینامه» گفته می‌شود.

او ویژگی این دو اصطلاح که آن را با زندگینامه در معنای عام کلمه متفاوت می‌کند این است که این دو واژه «فقط در مورد زندگینامه پیامبر (ص)» به کار می‌رود. یکی از مهم‌ترین نکات درباره سیره‌نویسی درباره پیامبر اکرم(ص) وجه کاملاً معنوی آن است. این مساله زمانی اهمیت بیشتری به خود می‌گیرد که به این نکته توجه داشته باشیم که «نوشته شدن این متون معمولاً به این دلیل انجام می‌شده که اصولاً شیوه زندگی پیامبر (ص)

نشست «فیلسوف، دانشجو

است» برگزار می شود

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم و فناوری دومین نشست از مجموعه نشست‌های فلسفه و دانشگاه را با موضوع «فیلسوف، دانشجو است» برگزار می‌کند. این نشست دوشنبه ۲۹ آذر از ساعت ۱۰ تا ۱۲ با سخنرانی کریم مجتهدی در محل پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی برگزار می‌شود.



گروه اندیشه هرچند در طول سال‌های

اخیر بحث پیرامون فلسفه اسلامی در ایران به‌طور جدی پیگیری شده و حتی مکتب مشاء، اشراق و متعالیه با طرفداران و مخالفان‌شان زمینه مباحث فراوان و گسترده‌ای را به وجود آورده‌اما به همان نسبت نیز شاهد بی‌توجهی به بخشی مغفول مانده از فلسفه اسلامی در ایران بوده‌ایم. اگر این مکاتب فلسفی را برآمده از شرق سرزمین‌های اسلامی بدانیم، متأسفانه فلسفه غرب تمدن اسلامی چندان مورد توجه نبوده و آثار چندانی در این زمینه منتشر نشده‌است. اما زمانی که از سنت فلسفی غرب تمدن اسلامی سخن می‌گوییم به‌طور جدی نظر به آرا و اندیشه‌های فیلسوفی داریم که بر سنت فلسفی غرب تأثیر عمیقی گذاشت و هنوز می‌توان ریشه‌هایی از اندیشه‌های او را در عصر رنسانس یافت.

اواسط دسامبر سال ۱۱۹۸ میلادی ابوالولید محمد بن احمد بن رشد اندلسی چشم از دنیا فرو بست. فیلسوفی که سال ۵۲۰ ه. ق در قرطبه اندلس به دنیا آمد و این شانس را داشت که با استفاده از اندیشه‌های دو چهره برجسته دیگر فلسفه غرب تمدن اسلامی یعنی ابن‌باجه و ابن‌طفیل، به یکی از مهم‌ترین فیلسوفان اسلامی تبدیل شود. این‌رشد هرچند در دوره حیات ابن‌باجه در سن نوجوانی به سر می‌برد و هنوز در سن آموزش فلسفه و علوم قرار نداشت، اما بعدها با ملاحظه «تدبیر

آسیب‌شناسی علوم اجتماعی اسلامی

گروه و انجمن علمی علوم اجتماعی اسلامی نشست «آسیب‌شناسی علوم اجتماعی اسلامی» را برگزار می‌کند. این نشست با سخنرانی حمید پارسانیا برگزار خواهد شد. این نشست دوشنبه ۲۹ آذر از ساعت ۱۳ در محل تالار مطهری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران واقع در بزرگراه جلال آل احمد، زیر پل گیشا برگزار می‌شود.



به مناسبت سالگرد درگذشت ابن رشد

فیلسوف فلسفه غرب تمدن اسلامی

المتوحد» ابن‌باجه، به‌شدت شبیفته این اندیشه شده و صاحب‌تدبیر را «پدر فلسفه در اندلس» لقب داد. اندیشه‌های این‌رشد به سه زبان‌های اروپایی ترجمه شد و تحت‌عنوان «ابن‌رشدگرایی اروپایی» یا اکونسیسم جدید، دستمایه نهضت فکری جدید در رنسانس اروپا شد. فلاسفه غرب تمدن اسلامی، شناخت شهودی را که از آن به‌شناخت صوفیانه تعبیر می‌کنند، مورد تردید قرار داده‌اند. به نظر ابن‌رشد طریق شناخت در صوفیه طریق نظری، یعنی ترکیبی از مقدمات و قیاس‌ها نیست. به گمان آنان، شناخت خداوند و دیگر موجودات، چیزی است که صرفاً به نفس القامی شود؛ آن‌گاه که نفس از شهوت‌ها تجرید شده و به اندیشه درباره مطلوب بپردازد. اما مهم‌ترین بخش اندیشه ابن‌رشد «نظر به تاولیل» اوست. تاولیل در اندیشه ابن‌رشد، تلقی ظاهر الفاظ شرع به مثابه یک نشانه و تلاش در درک معنای غایب و مکنون آن است. ابن‌رشد با تکیه بر دیدگاه معرفت‌شناختی خود در باب ضرورت وحی و شریعت در مدینه، مبنای مهمی را در راستای نظریه تاولیل، یعنی تفسیر ظاهر شریعت تأسیس می‌کند. منظور از تأسیس‌های مبنا در اینجا اخذ و اعتقاد به مبادی شرابع به مثابه یک پیش فرض، و در ادامه تحلیل‌های شناخت‌شناسانه ابن‌رشد است. محور اصلی نظریه تاولیل در اندیشه ابن‌رشد، ضرورت حضور عقل در نظام شریعت و زندگی است. ابن‌رشد با تکیه بر متن جمهور، ارسطو، نوفاطولی‌ان و حتی فلسفه سیاسی پیشینیان مسلمان خودنظیر فارابی، ابن‌سینا و ابن‌باجه را پرتو «جمهور» و چنان حاشیه‌ای بر آن می‌بیند.



نمایی از مجسمه ابن رشد

قفسه

«گفت‌مان رسمی تاریخ‌نگاری دوره پهلوی پیرامون رضاشاه» منتشر شد

بازخوانی دوران پهلوی اول

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به تازگی کتاب «گفت‌مان تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی

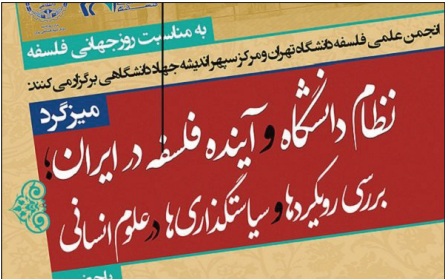
پیرامون رضاشاه» نوشته علیرضا ملایی توانی را روانه بازار نشر کرد. این کتاب که در ۱۱ فصل نگارش شده‌است حاصل پروژه دوساله نویسنده آن است که خود عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. «تاریخ‌نگاری رسمی و کارکردهای آن»، «بافت، زمینه و فرآیند تولید متن‌های تاریخ‌نگاری رسمی در دوره پهلوی»، «ملاحظات روش‌شناسانه درباره تاریخ‌نگاری رسمی پهلوی»، «دفاع از نظام سلطنت و حقانیت رضاشاه»، «چگونگی تصویرسازی از شخصیت رضاشاه در متن تاریخ‌نگاری رسمی»، «قهرمان پردازی و مشیت‌گرایی در تاریخ‌نگاری»، «کودتای ۱۲۹۹»، «گفت‌مان رسمی تاریخ‌نگاری پهلوی پیرامون رضاشاه»، «بازتاب اصلاحات رضاشاه در تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی» و «گفت‌مان تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی پیرامون رضاشاه» عناوین فصول گوناگون این کتاب

را تشکیل می‌دهند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این کتاب بررسی دوره پهلوی اول از منظر گفت‌مان و بررسی کارکردهای زبانی، اجتماعی و ایدئولوژیک تاریخ‌نگاری رسمی به‌طور عام است. کتاب «گفت‌مان

ایده دانشگاه و آینده

فلسفه در ایران

انجمن علمی فلسفه دانشگاه تهران میزگرد «ایده دانشگاه و آینده فلسفه در ایران» را با حضور شاپور اعتماد، غلامعلی حدادعادل و رضا منصوری و حمید طالب‌زاده (رئیس گروه فلسفه دانشگاه تهران)، برگزار می‌کند. این میزگرد یکشنبه، ۲۸ آذر در تالار اقبال دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران برگزار خواهد شد.



نقد و نظر

گزارش نشست «پژوهش‌های علوم انسانی و چالش‌های پیش‌رو»

نقدها به چرخه تکرار افتاده‌است

نشست «پژوهش‌های علوم انسانی و چالش‌های پیش‌رو» با حضور سیدفرید العطاس، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه ملی سنگاپور، بیژن عبدالکریمی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی و سیدجواد میری، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌همت موسسه خانه کتاب برگزار شد. در ادامه مختصری از مهم‌ترین بخش سخنرانی آنها به نقل از «مهر» آمده‌است.

در علوم انسانی شرق‌شناسانه گیر کردیم

نخستین بحث درباره علوم انسانی مشکل اورپانتالیسم و بینش شرق‌محورانه یا شرق‌شناسانه است. البته من با مفهوم شرق‌شناسی موافق نیستم و به جای آن از کلمه اورپانتالیسم استفاده می‌کنم. وقتی دانشگاه‌ها در اوایل قرن ۱۹ در کشورهای اسلامی و غیراسلامی با مدل اروپایی تأسیس شدند، عده‌ای از اندیشمندان کشورهای غیرغربی و غیرمسلمان مانند ریزال از فیلیپین به نقد نگاه شرق‌شناسانه به علوم انسانی پرداختند؛ چرا که معتقد بودند این روش‌ها و متن‌ها نمی‌تواند پاسخگوی جامعه باشد. از آن دوران تقریباً سه تا پنج نسل گذشته و نقدهایی که امروز در کشورهای غیرغربی نسبت به علوم انسانی غربی مطرح می‌شود، هیچ‌گاه به سوی جلو حرکت نکرده‌است، ما امروز در گیر علوم انسانی شرق‌شناسانه شدیم و در آنجا گیر کردیم. نقدهای فعلی بیهوده هستند، چرا که افق جدیدی را برای ما باز نمی‌کنند. همچنین نقدهای ما از عمق کافی برخوردار نیستند، چرا که نگاه اروپامحور دارند، نگاه اروپامحورمدارانه و شرق‌شناسانه و غربی کاری برای ما نمی‌کند و با وجود اعتبار علمی این رویکردها راهی برای ما نمی‌کشایند. اساسا نقدهای ما به چرخه تکرار افتاده و نقدهای نسل اول و دوم را مطرح می‌کنیم و این نقدها نیز راهی به پیش نمی‌برد. اگر ما بخوایم از این نگاه‌های تکراری عبور کنیم تنها راهکار این است که مفاهیم جدیدی خلق کنیم. بنابراین اگر بخواهیم از رویکرد اروپامدارانه عبور کنیم باید گرفتار مغالطه‌هایی چون اسلامی کردن علوم انسانی نشویم، چرا که من این را حرکت شرق‌شناسانه و ارونه می‌دانم.

ما با عقلانیت علمی و علوم انسانی تجربی بیگانه‌ایم

عقلانیت علمی به‌طور کلی و علوم انسانی جدید، به منزله بخشی از عقلانیت علمی، به‌هیچ‌وجه در سنت تاریخی ما شکل نگرفته‌است و ما با عقلانیت علمی و علوم انسانی تجربی جدید تا حدود بسیار زیادی بیگانه‌ایم. به همین دلیل است که ما تاکنون شاهد ظهور تئوری‌ها و پژوهش‌های اصیل علمی در ديار خویش نبوده‌ایم. علم جدید تنها در سنت تاریخی متافیزیک یونانی ظهور کرده‌است و در هیچ یک از سنن نظری تاریخی دیگر، از جمله در سنت نظری تاریخی خود ما، علم به معنا و مفهومی که در غرب ظهور پیدا کرده، شکل نگرفته‌است. البته در میان اقوام دیگر، مثل چینیان، مصری‌ها، هندی‌ها، خاورمیانه‌ای‌ها و سنن نظری و تاریخی این اقوام علوم به معانی دیگری وجود داشته‌اند، اما علم به مفهومی است که ما از «علم تجربی جدید» می‌فهمیم و رابطه خاصی که میان انسان یا سوژه مدرن با جهان به منزله ابژه شکل گرفت و اینکه انسان توانست طبیعت را به منزله ابژه عقل و اراده خود فهم کند، در میان هیچ یک از آن اقوام و فرهنگ‌ها و تمدن‌های آنان وجود نداشته‌است. چنین تحولی، یعنی ابژه کردن طبیعت، انسان، جامعه و پژوهش تجربی درباره آنها براساس طرح‌های از پیش تعیین شده صرفاً در علم جدید و با علم جدید غربی و نه در هیچ یک از فرهنگ‌ها و تمدن‌های غیرغربی شکل گرفت.

یک سنت عبری-اسلامی هستیم

علت و معلولی که در علوم طبیعی بوده چگونه در علوم انسانی شکل گرفته‌است؟ و آیا این علت و معلول می‌تواند انسان را به مثابه وجودی آن تعریف کند؟ اگر از منظر وجودی نگاه کنیم در سنت عبری اسلامی، چینی و در سنت‌های دیگر و حتی دین زرتشتی از قضا سنت وجودی، وجود داشته‌است. البته این نقطه قوتش است چون می‌تواند انسان و طبیعت را به مثابه ابژه ببیند و این در حالی است که سنت‌های دیگر نمی‌توانند کمی نگاه کنند. انسان زمانی توانسته موضوع مطالعه خود باشد که توانسته آن را ابژه کند. در علوم انسانی فعلی مادر حالت محض نیستیم، در حالت کلی یک سنت عبری - اسلامی داریم که بنیادهای متفاوتی از سنت‌های هلنی یا رنسانس دارد اما پارادوکس مساله این است که ما امروز خودمان همض شدیم. در این وضعیت چگونه می‌توانیم این علوم انسانی که ابعاد زیست مشترک ما با جهان است را خلق کنیم. طلال اسد می‌گوید که ۵۰ سال قبل وقتی که انسان غربی دست به ابداعات جدید می‌زد بشر همواره به گفت که انسان غربی چیزی را اختراع کرده اما حالا که نظام‌ها در حال فروپاشی است، انسان غربی می‌گوید بشریت دچار کابوس شده و چه باید بکنیم؟ اکنون این خواب و رویایی که انسان غربی دیده بود کابوس بشریت شده‌است.



سیدجواد میری استاد دانشگاه